**مجموعه آثار قلم اعلی**

**مجموع کتاب­های سبز - جلد 63**

**ویرایش دوم-شهر الملک 181 بدیع (فوریه 2025)**

**رساله سؤال و جواب**

**این مجموعه با اجازه محفل مقدّس روحانی ملی ایران شیّدالله ارکانه به تعداد محدود به منظور حفظ تکثیر شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نمی‌باشد.**

**شهر المشیّة 133 بدیع**

فتوکپی این نسخه رسالۀ سؤال و جواب از مؤسسۀ جلیله عالی معارف امر دریافت شده است.

ص 1\*\*\*

سؤال: از عید اعظم

جواب: اوّل عید عصر سیزدهم ماه دوّم از اشهر بیان است. یوم اوّل و تاسع و دوازدهم عید اشتغال به امور حرام است.

سؤال: از عید مولود

جواب: مولود اقدس ابهى اوّل فجر یوم دوّم محرّم است و یوم اوّل مولود مبشّر است و این دو یک یوم محسوب شده عندالله.

سؤال: از آیتین

جواب: للرّجال اِنّا

کلّ

ص 2\*\*\*

کلٌّ لِلّهِ راضیون. لِلنّساء اِنّا کلٌّ لِلّه راضیات.

سؤال: اگر نفسى سفر کند و میقات رجوع یعنى مدّت سفر را معّین ننماید و مفقود الخبر و الاثر شود تکلیف ضلع چیست

جواب: اگر امر کتاب اقدس را شنیده و ترک نموده، ضلع یک سال تمام تربص نماید و بعد اختیار با اوست در معروف یا اتّخاذ زوج

و اگر شخصى امر کتاب را نشنیده ضلع صبر نماید تا امر زوج او را خداوند ظاهر فرماید و مقصد از معروف در این مقام اصطبار است

سؤال: از آیهء مبارکهء انّا لَمّا سمعنا ضجیج الذّرّیات فى الاصلاب زدنا ضعف ما لهم و نقصنا عَنِ الاُخرى

جواب: مواریث در کتاب الهى دو هزار

ص 3\*\*\*

و پانصد و بیست سهم شده که جامع کسور تسعه باشد و این عدد هفت قسمت می‌شود هر قسمتى به صنفى از ورّاث می‌رسد چنانچه در کتاب مذکور است از جمله کتاب طاء، نُه شصت که عدد مقت می‌شود مخصوص ذرّیه مقرّر شده و معنى قوله تعالى زدنا ضعف ما لهم یک مثل آن بر آن افزودند عدد دو طاء می‌شود و آنچه زیاد شد از سائرین کم می‌شود مثلاً نازل شده و للازواج مِن کتاب الحاء على عدد التّاء و الفاء یعنى هشت شصت که عدد تاء و فاء می‌شود از براى ازواج مقدّر شده حال شصت و نصف که عدد نود می‌شود از ازواج کم شده و بر ذرّیه افزوده و همچنین الى الآخر که

ص 4\*\*\*

عدد آنچه کم شده نه شصت می‌شود که بر نه شصت اوّل افزوده شده.

سؤال: از میراث اخ یعنى اگر برادر از طرف مادر و پدر هر دو باشد وارث است یا از یک طرف هم باشد وارث است

جواب: اگر برادر از طرف اب باشد حق او على ما ذکر فى الکتاب به او می‌رسد و اگر از طرف امّ باشد ثلث حق او به بیت العدل راجع است و دو ثلث به او و کذلک فى الاخت.

سؤال: در باب ارث مقرّر شده که اگر ذرّیه موجود نباشد حقوق ایشان به بیت العدل راجع است هر یک از سائر طبقات هم هر گاه

موجود نباشد مثل اب و امّ و یا اخ و اخت و معلم حقوق آنها راجع به بیت العدل است و یا قسم دیگر است

ص 5\*\*\*

جواب: آیهء مبارکه کافى است قوله تعالى من مات و لم یکن له ذرّیة ترجع حقوقهم الى بیت العدل الخ و الذّى له ذرّیة و لم یکن مادونها عمّا حدّد فى الکتاب یرجع الثّلثان ممّا ترکه الى الذرّیة و الثّلث الى بیت العدل الخ یعنى اگر کسى بمیرد و ذرّیه نداشته باشد حقوق ذرّیه به بیت العدل راجع است و اگر ذرّیه باشد و سائرین از ورّاث نباشند دو ثلث از میراث به ذرّیه می‌رسد و ثلث آخر به بیت العدل راجع این حکم در کلّ و بعض هر دو جارى است یعنى هر کدام از سائر ورّاث نباشند دو ثلث به ذرّیه راجع و ثلث به بیت عدل.

سؤال: از نصاب حقوق الله

جواب: نصاب حقوق الله نوزده مثقال از ذهب

ص 6\*\*\*

است یعنى بعد از بلوغ نقود به این مقدار حقوق تعلّق می‌گیرد و امّا سائر اموال بعد از بلوغ آن به این مقام قیمةً لا عدداً و حقوق الله

یک مرتبه تعلّق می‌گیرد. مثلاً شخصى مالک شده هزار مثقال از ذهب را و حقوق آن را ادا نمود بر آن مال دیگر حقّ الله تعلّق نمی‌گیرد مگر بر آنچه به تجارت و معاملات و غیرهما بر آن بیفزایند و به حدّ نصاب برسد یعنى منافع محصولهء از آن. در این صورت بما حکم به الله باید عمل شود الّا اذا انتقل اصل المال الى ید اخرى اذاً یتعلّق به الحقوق کما تعلّق اوّل مرّةٍ در آن وقت حقوق الهى باید اخذ شود. نقطهء اولى می‌فرماید از بهاء کلّ شیء که مالکند باید حقوق الله را ادا

[این صفحه در متن جا به جا است] ص 9\*\*\*

نمایند ولکن در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنى اسبابى که مایحتاج به است.

سؤال: حقوق الله و دیون میت و تجهیز اسباب کدام مقدّم است

جواب: تجهیز مقدّم است بعد اداء دیون بعد اخذ حقوق الله و اگر مال معادل دیون نباشد آنچه موجود است به مقتضاى دیون

قلیلاً و کثیراً قسمت شود.

سؤال: در کتاب اقدس نهى از حلق رأس شده و در سورهء حجّ امر به آن

جواب: جمیع مأمورند به کتاب اقدس. آنچه در آن نازل آن است حکم الهی ما بین عباد و حلق رأس از قاصدین بیت عفو شده.

سؤال :اگر در ایام اصطبار اقتران واقع شود

[این صفحه در متن جا به جا است] ص 10\*\*\*

و بعد ندامت حاصل گردد آیا ایام قبل از اقتران از ایام اصطبار محسوب است و یا آنکه سال را از سر گیرد و آیا بعد از طلاق تربص

لازم است یا نه

جواب: اگر در ایام اصطبار الفت به میان آید حکم زواج ثابت و باید به حکم کتاب عمل شود و اگر ایام تربص منتهى شود و بما حکم به الله واقع گردد تربص لازم نه و اقتران مرء یا مرئه در ایام اصطبار حرام است و اگر کسى مرتکب شود باید استغفار کند و نوزده مثقال ذهب به بیت العدل جزای عمل برساند .

سؤال: بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر اگر کُره واقع شود طلاق بدون اصطبار جائز است یا نه

جواب: بعد از قرائت آیتین و اعطاء مهر قبل

ص 7\*\*\*

از قران اگر ارادهء طلاق نماید جائز است ایام اصطبار لازم نه ولکن اخذ مهر از مرئه جائز نه.

سؤال: معلّق بودن امر تزویج به رضایت ابوین از طرف مرد و زن هر دو لازم یا از یک طرف کافى است و در باکره و غیرها یکسان است یا نه

جواب: تزویج معلّق است به رضایت پدر و مادر مرء و مرئه و در باکره و دون آن فرقى نه.

سؤال: در صلوة امر به توّجه به سمت قبله نازل، در اذکار توجه به کدام سمت باید کرد

جواب: در صلوة حکم قبله ثابت و در اذکار حکم ما انزله الرّحمن فى الفرقان جارى اینما تولّوا فثمّ وجه الله.

سؤال: از ذکر در مشرق الاذکار فى الاسحار

ص 8\*\*\*

جواب: اگر چه در کتاب الهى ذکر اسحار شده ولکن در اسحار و طلوع فجر و بعد از طلوع فجر الى طلوع آفتاب و دو ساعت هم بعد از آن لدى الله مقبول است.

سؤال: از حمل جنائز که می‌فرماید به قدر مسافت یک ساعت حمل شود آیا در برّ و بحر هر دو این حکم جارى است یا نه

جواب: در برّ و بحر هر دو این حکم جارى اگر چه ساعت کشتى بخار باشد و یا ساعت سکهء حدید مقصد مدّت یک ساعت است دیگر به هر نحو باشد. ولکن هر چه زودتر دفن شود احبّ و اولى است.

سؤال: در باب گمشده که بعد از یافتن چگونه معمول شود

جواب: اگر در شهر یافت شود یک بار منادى

ص 11\*\*\*

ندا کند و اخبار دهد اگر صاحب آن یافت شد تسلیم نماید و الّا یک سنه صبر کند اگر صاحب آن یافت شد آنچه مصروف منادى نموده اخذ و مال را تسلیم کند و اگر یک سنه گذشت و صاحبش معلوم نشد در آن تصرّف نماید و اگر گمشده از مصروف منادى کمتر و یا مثل آن باشد پس از یافتن یک روز صبر کند اگر صاحبش یافت نشد تصرّف نماید و اگر در صحرا یافته سه روز صبر کند اگر صاحبش معلوم نشد تصرّف نماید.

سؤال: در باب وضو اگر شخصى مثلاً به حمّام رود و تمام بدن را بشوید باز وضو باید گرفت یا نه

جواب: در هر حال باید حکم وضو را مجرى دارد

سؤال: اگر

ص 12\*\*\*

شخصى در خیال جلاى وطن باشد بالفرض و اهل او راضى نشود و منجر به طلاق گردد و ایام تدارک سفر طول کشد تا یک سنه آیا از ایام اصطبار محسوب است و یا آنکه از یوم مفارقت باید حساب شود و یک سنه صبر نماید

جواب: اصل حساب از یوم مفارقت است ولکن اگر قبل از مسافرت به یک سال مفارقت نماید و عرف محبّت متضوّع نگردد طلاق واقع و الّا از یوم مسافرت حساب نمایند تا انقضاى یک سنه به شروطى که در کتاب اقدس نازل شده .

سؤال: از بلوغ در تکالیف شرعیه

جواب: بلوغ در سال پانزده است. نساء و رجال در این مقام یکسان است.

سؤال: از آیهء مبارکهء

ص 13\*\*\*

فى الاسفار اذا نزلتم و استرحتم المقام الامن مکان کلّ صلوةٍ سجدة واحدة

جواب: این سجده قضاى نمازی است که در اثناى حرکت و مواقع ناامن فوت شده و اگر در وقت نمازى در جاى امن مستریح باشد باید همان نماز موقوت را به جاى آورد و این حکم که در قضا نازل در سفر و حضر هر دو یکسان است .

سؤال: از تعیین سفر

جواب: تعیین سفر نه ساعت از قرار ساعت مصنوع و اگر مسافر در جائى توقّف کند و معین باشد توقّف او تا یک شهر بیان، باید

صائم شود و اگر اقلّ از یک شهر باشد صوم بر او نیست و اگر در بین شهر صوم وارد شود به جائی که یک شهر بیانى در آنجا توقف می‌نماید

باید

ص 14\*\*\*

باید سه روز افطار کند و بعد از آن مابقى ایام را صائم شود و اگر به وطن خود رسد که دائم الاقامه در آنجا بوده است باید همان یوم اوّل ورود صائم شود.

سؤال: از جزاى زانى و زانیه

جواب: دفعهء اولى نه مثقال، ثانى هیجده مثقال، ثالث سى و شش مثقال الى آخر دو مقدار جزاى سابق. و مثقال نوزده نخود

است چنانچه در بیان نازل شده.

سؤال: از صید

جواب: قوله تعالى اذا ارسلتم الجوارح الخ، اقسام دیگر هم در آن داخل است چون تفنگ و تیر و غیرهما از هر نوع آلات که

به آن صید می‌کنند ولکن اگر با دام صید شود و تا وصول به آن مرده باشد حرام است.

ص 15\*\*\*

سؤال: از حج

جواب : حج یکى از دو بیت واجب دیگر بسته به میل شخصى است که عزیمت حج نموده.

سؤال: از مهر

جواب: در مهر اقتناع به درجهء اولى، مقصود از آن نوزده مثقال نقره است.

سؤال: از آیهء مبارکهء و ان اتاها خبر الموت الخ

جواب: مراد از لبث اشهر معدودات نه ماه است.

سؤال: مجدّد از سهم میراث معلّم استفسار شده بود

جواب: اگر معلّم مرده باشد ثلث سهم او به بیت العدل راجع و دو ثلث دیگر به ذرّیه میّت نه معلّم.

سؤال: مجدد از حج استفسار شده بود

جواب: حج بیت که بر رجال است بیت اعظم در بغداد و بیت نقطه در شیراز مقصود است. هر یک را که حج نمایند

ص 16\*\*\*

کافى است هر کدام نزدیک‌تر به هر بلد است اهل آن بلد آن را حج نمایند.

سؤال: از آیهء مبارکهء من اتّخذ بکراً لخدمته لا بأس

جواب: محض از براى خدمت است چنانکه صغار و کبار دیگر را اجرت می‌دهند براى خدمت. و آن بِکر هر وقت که خواهد زوج

اختیار کند، اختیار با نفس او است چه خریدن اماء حرام و زیاده بر دو زوجه هم حرام است.

سؤال: از آیهء مبارکهء قد نهاکم الله عمّا عملتم بعد طلقات ثلاث

جواب: مقصود حکم قبل است که باید دیگرى آن را تزویج نموده بعد بر او حلال شود، در کتاب اقدس نهى از این عمل نازل.

سؤال: از ارتفاع

ص 17\*\*\*

بیتین در مقامین و مقامات مستقر عرش

جواب: مقصود از بیتین بیت اعظم و بیت نقطه است و مقامات دیگر به اختیار اهل آن بلد است هر بیتى را که محل استقرار شده مرتفع نمایند یا یک بیت را اختیار کنند.

سؤال: مجدد از ارث معلّم استفسار شده بود

جواب: اگر معلم از غیر اهل بهاء است ابداً ارث نمی‌برد و اگر معلم متعدّد باشد میانشان بالسّویه قسمت می‌شود و اگر معلم وفات نموده باشد به اولاد او ارث نمی‌رسد بلکه دو ثلث ارث به اولاد صاحب مال و یک ثلث به بیت العدل راجع.

سؤال: از بیت مسکون که مخصوص اولاد ذکور است

ص 18\*\*\*

جواب: اگر بیت مسکون متعدد باشد اعلى و اشرف آن بیوت مقصود است و مابقى مثل سایر اموال است که باید بین کل قسمت شود و هر یک از طبقات ورّاث که که خارج از دین الهى است حکمش حکم معدوم است و ارث نمی‌برد.

سؤال: در باب نوروز

جواب: هر روز که شمس تحویل به حمل شود همان یوم عید است اگر چه یک دقیقه به غروب مانده باشد.

سؤال: اگر عید مولود و یا مبعث در صیام واقع شود حکمش چیست

جواب: اگر عید مولود و یا مبعث در ایام صیام واقع شود حکم صوم در آن یوم مرتفع است .

سؤال: در احکام الهیه در باب ارث دار مسکونه

ص 19\*\*\*

و البسهء مخصوصه را از براى ذُکران ذرّیه مقرّر فرموده‌اند بیان شود که این حکم در باب مال اب است و یا در مال امّ هم همین حکم جاری است.

جواب: البسهء مستعملهء امّ ما بین بنات بالسّویه قسمت شود و سایر اشیاء از ملک و حلى و البسهء غیر مستعمله کل از آن قسمت می‌برند به قسمی که در کتاب اقدس نازل شده و در صورت عدم وجود بنت جمیع مال کما نزّل فى الرّجال باید قسمت شود.

سؤال: در باب طلاق که باید صبر شود یک سنه، اگر رائحهء رضا و میل بوزد از یک طرف و طرف دیگر نوزد چگونه است حکم آن

جواب: حکم به رضایت طرفین در کتاب اقدس نازل اگر از هر دو طرف رضایت

ص 20\*\*\*

نباشد اتّفاق واقع نه.

سؤال: در مهر ورقات هرگاه نقد و دفعةً واحده نباشد به عنوان قبض مجلس رد شود و دست به دست شود و بعد از امکان به ضلع رد نماید چگونه است

جواب: اذن به این فقره از مصدر امر صادر.

سؤال: در مدّت اصطبار هرگاه متضوّع شود رائحهء حبّ و باز کراهت حاصل شود و در ظرف یک سنه گاه کراهت و گاه میل و در حالت کراهت سنه به آخر رسد در این صورت افتراق حاصل است یا نه

جواب: در هر حال هر وقت کراهت واقع شود از یوم وقوع ابتداى سنهء اصطبار است و باید سنه به آخر رسد.

سؤال: دار مسکونه

ص 21\*\*\*

و البسهء مخصوصه مخصوص ذرّیهء ذکور است دون الاناث و الورّاث هرگاه ذرّیهء ذکور نباشد تکلیف چیست

جواب: قوله تعالى من مات و لم یکن له ذرّیةٌ ترجع حقوقهم الى بیت العدل. نظر به این آیهء مبارکه دار مسکونى و البسهء مخصوصه

به بیت العدل راجع است.

سؤال: در کتاب اقدس حقوق الله نازل آیا بیت مسکون و متروکات آن و ما یحتاج جزو اموالى است که حقوق بر آن ثابت می‌شود یا نوع دیگر است

جواب: در احکام فارسیه می‌فرماید در این ظهور اعظم اسباب بیت و بیت مسکون را عفو نمودیم یعنى اسبابی که ما یحتاج به است.

سؤال: در باب نامزد کردن بنت

ص 22\*\*\*

قبل از بلوغ

جواب: حرمت آن از مصدر امر نازل و بیش از نود و پنج یوم قبل از نکاح ذکر وصلت حرام است.

سؤال: اگر بالفرض اموال شخصى صد تومان باشد و حقوق را ادا نموده بعد در تجارت نقصان واقع شود و نصف این مبلغ تلف شود، باز به تجارت به نصاب رسد حقوق باید داد یا نه

جواب: در این صورت حقوق بر آن تعلّق نمی‌گیرد .

سؤال: اگر مبلغ معهود به کلّى بعد از اداء حقوق تلف شود و دفعهء دیگر از کسب و تجارت همین مبلغ حاصل شود، حقوق ثانى باید داد یا نه

جواب: در این صورت هم حقوق ثابت نه .سؤال : از آیهء مبارکهء کتب علیکم

ص 23\*\*\*

النّکاح، این حکم واجب است یا نه

جواب: واجب نه .

سؤال: اگر شخصى باکره‌ای را نکاح نمود و مهریه را هم تسلیم کرد هنگام اقتران معلوم شد که باکره نیست آیا مصروف و مهریه برمی‌گردد یا نه و اگر به شرط باکره بودن نکاح شد آیا فساد شرط سبب فساد مشروط می‌شود یا نه

جواب: در این صورت مصروف و مهریه برمی‌گردد و فساد شرط علت فساد مشروط است، ولکن اگر در این مقام ستر و عفو شامل شود عندالله سبب اجر عظیم است.

سؤال: رقم علیکم الضّیافة واجب است یا نه

جواب: واجب نه.

سؤال: از حدّ زنا و لواط و سارق و مقادیر آن

جواب: تعیین مقادیر

ص 24\*\*\*

حدّ به بیت العدل راجع است.

سؤال: از حلّیت و حرمت نکاح اقارب

جواب: این امور هم به امناى بیت العدل راجع است.

سؤال: در باب وضو من لم یجد الماء یذکر خمس مرّاتٍ بسم الله الاطهر الاطهر. در شدت سرما یا جراحت ید و وجه خواندن ذکر جایز است یا نه

جواب: در شدت سرما به آب گرم و در وجود جراحت ید و وجه و مانع آخر از قبیل اوجاع که استعمال آب مضرّ باشد ذکر معهود را بدَل وضو تلاوت نماید.

سؤال: ذکر که در عوض صلوة آیات نازل شده واجب است یا نه

جواب: واجب نه.

سؤال: در باب ارث مع وجود اخ و اخت ابى و امّى، اخ و اخت امّى هم

ص 25\*\*\*

سهم می‌برند یا نه

جواب: سهم نمی‌برند

سؤال: قوله تعالى انّ الّذین مات فى ایام والده و له ذرّیة اولئک یرثون ما لاَبیهم، اگر دختر در ایام پدر فوت شود حکمش چیست

جواب: میراث او به حکم کتاب به هفت سهم منقسم می‌شود.

سؤال: اگر میّت زن باشد سهم زوجه به که راجع

جواب: سهم زوجه به زوج راجع.

سؤال: در باب کفن میّت به پنج ثوب امر شده، آیا مقصود از این پنج پنج‌پارچه است که در قبل معمول می‌شد و یا آنکه مراد سرتاسرى جوف هم است.

جواب: مقصود پنج پارچه است.

سؤال: آیات منزله بعضى با هم فرق دارد

جواب: بسیارى از الواح نازل شد و همان صورت

ص 26\*\*\*

اوّلیه من دون مطابقه و مقابله به اطراف رفته لذا حسب الامر به ملاحظهء آنکه معرضین را مجال اعتراض نماند مکرّر در ساحت اقدس قرائت شد و قواعد قوم در آن اجرا گشت و حکمت دیگر چون در قاعدهء جدیده به حسب بیان حضرت مبشّر روح ماسواه فداه قواعد بسیار وسیع ملاحظه شد لذا به جهت سهولت و اختصار نازل شد آنچه با اکثر مطابق است.

سؤال: از آیهء مبارکهء و فى الاسفار اذا نزلتم و استرحتم المقام الامن مکان کلّ صلوةٍ سجدة واحدة قضاى نمازى است که به علّت عدم امنیت فوت شده و یا به کلّى در سفر صلوة ساقط است و سجده به جاى آن است

جواب:

ص 27\*\*\*

اگر وقت صلوة برسد و امنیت نباشد بعد از وصول به مکان امن هر قدر فوت شده به جاى هر یک یکبار سجده نماید و بعد او سجدهء اخیره بر هیکل توحید نشسته ذکر معهود را قرائت نماید. در سفر اگر موقع امن باشد صلوة ساقط نه.

سؤال: پس از نزول و استراحت هرگاه وقت صلوة باشد صلوة معیّن است و یا باید در عوض صلوة سجده نماید

جواب: جز در مواقع ناامن ترک صلوة جائز نه .

سؤال: هرگاه سجدهء صلوة فائته متعدّد باشد تعدّد ذکر بعد از سجده لازم است یا نه

جواب: بعد از سجدهء اخیره خواندن ذکر معهود کافى است، به تعدّد سجده تعدّد ذکر لازم نه.سؤال: در حضر اگر صلوة فوت شود عوض

ص 28\*\*\*

فائته سجده لازم است یا نه

جواب: در جواب سؤالات قبل مرقوم، این حکم که در قضا نازل در سفر و حضر هر دو یکسان است.

سؤال: هرگاه لاجل امر آخر وضو گرفته باشد و وقت صلوة مصادف شود همان وضو کافى است و یا تجدید لازم

جواب: همان وضو کافى است و تجدید آن لازم نه.

سؤال: در کتاب اقدس صلوة نه رکعت نازل که در زوال و بکور و اصیل معمول رود و این لوح صلوة مخالف آن به نظر آمده

جواب: آنچه در کتاب اقدس نازل صلوة دیگر است ولکن نظر به حکمت در سنین قبل بعض احکام کتاب اقدس که از جملهء آن صلوة است در

ص 29\*\*\*

ورقهء اخرى مرقوم و آن ورقه مع آثار مبارکه به جهت حفظ و ابقاى آن به جهتى از جهات ارسال شده بود و بعد این صلوة ثلٰث نازل.

سؤال: در تعیین وقت اتّکال به ساعت جایز است یا نه

جواب: اتّکال به ساعت جایز است.

سؤال: در ورقهء صلوة سه صلوة نازل، آیا هر سه واجب است یا نه

جواب: عمل یکى از این صلوة ثلٰث واجب. هر کدام معمول رود کافى است.

سؤال: وضوى بامداد در زوال مجرى است و کذا وضوى زوال از براى اصیل یا نه

جواب: وضو مربوط به نماز است، در هر صلوة باید تجدید شود.

سؤال: در صلوة مبسوط که فرمایش

رفته

ص 30\*\*\*

رفته بایستد مقبلاً الى الله چنین می‌نماید که قبله لازم نباشد چنین است یا نه

جواب: مقصود قبله است.

سؤال: از آیهء مبارکهء اتلوا آیات الله فى کلّ صباحٍ و مساء

جواب: مقصود جمیع ما نزّل من ملکوت البیان است. شرط اعظم میل و محبّت نفوس مقدّسه است به تلاوت آیات. اگر یک آیه و یا یک کلمه به روح و ریحان تلاوت شود بهتر است از قرائت کتب متعدّده.

سؤال: آیا شخص می‌تواند در کتاب وصیّت از اموال خود چیزى قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خیریه صرف شود به غیر اداء حقوق الله و حقوق ناس. یا آنکه جز مخارج دفن و کفن

ص 31\*\*\*

و حمل نعش حقّى ندارد و ما بقى اموال کما فرض الله به ورّاث می‌رسد

جواب: انسان در مال خود مختار است. اگر بر اداى حقوق الهى موفق شود و هم چنین حق النّاس بر او نباشد، آنچه در کتاب وصیّت بنویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست. قد اذن الله له بان یفعل فی ما ملّکه الله کیف یشاء.

سؤال: وضع خاتم که در کتاب اقدس نازل شده مخصوص کبار است یا صغار هم داخلند

جواب: مخصوص کبار است و همچنین صلوة میّت آن هم مخصوص کبار است.

سؤال: در غیر شهر علاء اگر نفسى خواسته باشد صائم شود جائز است یا نه و اگر نذر و عهد کرده

باشد

ص 32\*\*\*

باشد که صائم شود مجرى و ممضى است یا نه

جواب: حکم صوم از همان قرار است که نازل شده ولکن اگر نفسى عهد نماید که لله صائم شود به جهت قضاء حاجات و دون آن بأسى نبوده و نیست ولکن حق جل جلاله دوست داشته که عهد و نذر در امورى که منفعت آن به عبادالله می‌رسد واقع شود.

سؤال: مجدّد سؤال شده دار مسکونه و البسهء مخصوصه در صورت عدم وجود ذکران از ذریه راجع به بیت العدل است یا مثل سائر اموال تقسیم می‌شود

جواب: دو ثلث خانه و البسهء مخصوصه به اناث از ذریه راجع و ثلث الى بیت العدل الّذى جعله الله مخزن الامّة.

سؤال: هرگاه زمان اصطبار منقضى

ص 33\*\*\*

شود و زوج از طلاق دادن امتناع نماید تکلیف ضلع چیست

جواب: بعد از انقضاى مدّت طلاق حاصل ولکن در ابتداء و انتهاء شهود لازم که عندالحاجة گواهى دهند.

سؤال: از حدّ هرم

جواب: نزد اعراب اقصى الکبر و نزد اهل بهاء تجاوز از سبعین.

سؤال: از حدّ صوم مسافر پیاده

جواب: حدّ آن دو ساعت مقرر شده، اگر بیشتر شود افطار جائز.

سؤال: از صوم نفوسی که در شهر صیام به اشغال شاقّه مشغولند

جواب: صیام نفوس مذکوره عفو شده ولکن در آن ایام قناعت و ستر لاجل احترام حکم الله و مقام صوم اولى و احبّ.

سؤال: با وضوى صلوة تلاوت

ذکر

ص 34\*\*\*

ذکر نود و پنج مرتبه اسم اعظم جایز است یا نه

جواب: تجدید وضو لازم نه.

سؤال: در باب البسه و حلى که شخص از براى ضلع می‌گیرد هرگاه متوفى شود ما بین ورّاث قسمت می‌شود یا مخصوص است به ضلع

جواب: غیر از البسهء مستعمله هر چه باشد از حلى و غیره راجع به زوج است مگر آنچه به اثبات معلوم شود به زوجه بخشیده شده.

سؤال: از حدّ عدالت در مقامى که اثبات امر به شهادت عدلین می‌شود

جواب: حدّ عدالت نیکوئى صیت است بین عباد و شهادت عبادالله از هر حزبى لدى العرش مقبول.

سؤال: هرگاه شخص متوفّى حقوق الله یا حق النّاس بر ذمّهء او باشد از بیت مسکون و

ص 35\*\*\*

البسهء مخصوصه و سایر اموال بالنّسبة باید ادا شود یا آنکه بیت و البسهء مخصوص ذکران است و دیون باید از سایر اموال داده شود و هرگاه سائر ترکه وفا نکند به دیون چگونه معمول شود

جواب: دیون و حقوق از سایر اموال داده شود و اگر اموال وفا نکند از بیت مسکون و البسهء مخصوصه ادا شود.

سؤال: صلوة ثالث را نشسته باید به جا آورد یا ایستاده

جواب: القیام مع الخضوع اولى و احبّ.

سؤال: صلوة اولى را که می‌فرماید هر هنگام و هر وقت که انسان در خود حالت اقبال و خضوع مشاهده نماید به عمل آورد در شب و روزى یکبار یا ازمنهء دیگر حکمش چگونه است

جواب:

در

ص 36\*\*\*

در شب و روزى یکبار کافى است هذا ما نطق به لسان الامر.

سؤال: از تعیین بکور و زوال و اصیل

جواب: حین اشراق الشّمس و الزّوال و الغروب و مهلت صلوة صبح الى زوال و من الزّوال الى الغروب و من الغروب الى ساعتین. الامر بیدالله صاحب الاسمین .

سؤال: قران با مشرکین جایز است یا نه

جواب: اخذ و عطا هر دو جائز هذا ما حکم به الله اذ استوى على عرش الفضل و الکرم.

سؤال: از وقت نماز میّت ، قبل از دفن یا بعد از آن و توجه به قبله لازم است یا نه

جواب: اداى صلوة قبل از دفن و امّا القبلة اینما تولّوا فثمّ وجه الله.

سؤال: در زوال که وقت دو نماز است

ص 37\*\*\*

یکى شهادت حین زوال و یکى نماز دیگر که در زوال و بکور و آصال باید کرده شود و این هم دو وضو لازم دارد و یا آنکه در این مورد مخصوص یک وضو کافى است

جواب: تجدید لازم نه.

سؤال: در مهر اهل قرى که فضّه تعیین شده به اعتبار زوج است یا زوجه و یا هر دو و در صورت اختلاف که یکى شهرى و دیگرى از قرى باشد چه باید کرد

جواب: مهر به اعتبار زوج است اگر از اهل مدن است ذهب و اگر از اهل قرى است فضّه.

سؤال: میزال شهرى و دهاتى به چه حد است. هرگاه شهرى هجرت به ده نماید و یا دهاتى هجرت به شهر کند و قصد توطّن نماید حکمش چگونه است و

کذلک

ص 38\*\*\*

کذلک محل تولد میزان است یا نه

جواب: میزان توطّن است. هر جا وطن نماید مطابق حکم کتاب رفتار شود.

سؤال: در الواح الهیه نازل شده هرگاه کسى مالک شود معادل نوزده مثقال ذهب را باید حق الله را از آن ادا نماید. بیان شود از نوزده چه قدر داده شود

جواب: حکم الله در صد نوزده معین شده. از آن قرار حساب نمایند معلوم می‌شود بر نوزده چه مقدار تعلق می‌گیرد.

سؤال: هرگاه مال از نوزده تجاوز نماید باید به نوزده دیگر برسد یا بر زیاده هم تعلق می‌گیرد

جواب: هر چه بر نوزده بیفزاید حقوق تعلق نمی‌گیرد الّا به نوزده دیگر برسد.

سؤال: از ماء

ص 39\*\*\*

بکر و حدّ مستعمل آن

جواب: آب قلیل مثل یک کأس یا دو مقابل یا سه مقابل آن دست و رو در آن شستن از مستعمل مذکور ولکن اگر به حد کر برسد از تغسیل یک وجه یا دو وجه تغییر نمی‌نماید و در استعمال آن بأسى نبوده و نیست و اگر یکى از اوصاف ثلٰثه در او ظاهر شود یعنى فى الجمله لون آب تغییر نماید از مستعمل محسوب است.

سؤال: حدّ بلوغ شرعى سنهء پانزده در کتاب اقدس تعیین شده. آیا زواج نیز مشروط به بلوغ است یا قبل از آن جائز

جواب: چون در کتاب الهى رضایت طرفین نازل و قبل از بلوغ رضایت و عدم آن معلوم نه در این صورت زواج

نیز

ص 40\*\*\*

نیز به بلوغ مشروط و قبل از آن جایز نه.

**\*\*\*\*\*\*\*\*\*\*\***